

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ اپریل ۲۰۲۲

سرفت دارائی های سفارت افغانستان در مسکو!

جمعه - ۲۶ حمل ۱۴۰۱ - کابل: احتمالاً شما هم از طریق رسانه ها مطلع شده باشید، که حدود ۵۷ هزار دالر دقیقاً ۵۶ هزار و ۷۷۵ دالر پول سفارت افغانستان در مسکو، به سرقت رفته است. امری که از جانب یک تن از کارکنان سفارت به پولیس روسیه اطلاع داده شده است. در یادداشت امروز علی رغم آن که چنین ارقامی در "سارقستان" افغانستان و بادر نظر داشت سرقت ۱۶۵ میلیونی شخص "غنی احمدزی" چندان مهم به نظر نمی خورد، مکث مختصری در مورد خواهیم داشت:

تا جایی که از مطالعات شخصی خودم بر می آید می توان نوشت در تمام دوران حاکمیت خاندان طلائی که افغانستان در کشور های خارجی سفارتخانه به مفهوم امروزی آن داشته، علی رغم آن که بر طرفی ها و از کار بیکار شدن همیشه وجود داشته و حتا کودتای ۲۶ سرطان نظام پادشاهی را سرنگون و به جمهوریت خاندانی تغییر داد، باز هم حتا یک نمونه از سرقت این چینی اموال و دارائی های سفارتخانه ها ثبت نشده است.

از همین رو با جرأت بسیار و بدون کدام حب و بغض باید بنویسم که این سنت خبیثه و رذیله به مانند ده ها مورد دیگر، برای نخستین بار در تاریخ افغانستان به وسیله نوکران سوسیال امپریالیسم شوروی متوفا یعنی خاینان و جنایتکارانی مانند "بیرک کارمل، اناهیتا راتبازاد، داکتر نجیب احمدزی و وکیل" صورت گرفته است. اینها که همه داعیه رهبری بخشی از حاکمیت دست نشانده روسی یعنی جناح پرچم باند "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" را داشتند و بعد ها بر همان مبنا و پایه، از طرف سوسیال امپریالیسم شوروی متوفا مورد تقدیر قرار گرفته بر اورنگ حاکمیت نشانده شدند، نخستین دزدان و سارقان دارائی های سفارتخانه های افغانستان در کشور های خارج بودند.

این باند به همان سان که هیچ گاهی پاسخده عملکرد شان در سایر زمینه ها نبودند و نیستند، وقتی خود به قدرت رسیدند در همان زمان هم اساساً راجع به سرقت دارائی سفارتخانه ها کمترین تماسی هم نگرفتند، این که منطق سکوت آنها "تیر شد و زیر شد" بود و یا همه چیز از خود و مال شخصی خود می دانستند، در مورد چیزی گفته نشد.

تا جایی که دیده می شود از آن تاریخ به بعد، چه در زمان حاکمیت مزدوران روس، چه در زمان حاکمیت دزدان جهادی، چه در زمان اشغالگران طالبی و چه هم در زمان اشغالگران ناتوئی، اصولاً دارائی های موجود در سفارتخانه ها به مثابه امتداد "مالکیت حاکمیت" به شما رفته، با هر تغییر خرد و بزرگ حاکمیت، به همان سان که در داخل کشور، داروندار مملکت بخشی از مالکیت حاکمیت به شمار رفته تاراج گردید، در خارج از افغانستان و در سفارتخانه

ها نیز، اموال و دارائی "مالکیت کشور" به شمار نرفته، به مثابه مالکیت حاکمیت یا از جانب طرف فراری به سرقت رفته و به اصطلاح به نفع حاکمیت معزول مصادره شده است و یا هم از طرف زورمند جدید تصاحب شده، کسی صدایش را نیز بلند ننموده است.

آنچه هم اکنون در مسکو اتفاق می افتد می شود گفت از چند جهت قابل تأمل می باشد:

*- شخص سفیر جدید یعنی فرستاده طالبان "جمال غروال" حین تسلیم گیری سفارت از سفیر قبلی یعنی "سید طیب جواد" نه تنها چنین ادعائی را مطرح نکرد، بلکه پروسه انتقال را نیز "دوستانه" معرفی نمود؛

*- علی رغم آن که سرقت دارائی ها از جانب یک تن از کارمندان به پولیس اطلاع داده شده، اما گفته نشده که این مقدار پول نقد در داخل سفارت بوده و یا در حساب بانکی سفارت وجود داشته است؛

*- هرگاه پول در داخل سفارت بوده و از آنجا به سرقت رفته است، مسلم است که هیچ ربطی به پولیس مسکو و روسیه ندارد و حتا ثبت آن به پولیس، بیانگر بی اطلاعی گزارش دهنده از مقررات سفارتخانه ها می باشد و هرگاه پول از حساب بانکی سفارت برداشت شده باشد، مسأله سرقت اساساً مطرح نیست بلکه همان سنت مصادره و اختلاس به نفع حاکمیت شکست خورده است که در طی ۴۰ سال بارها اتفاق افتاده و حاکمیت ها صدای خودشان را بلند نکرده اند؛

*- سکوت شخص سفیر قبلی یعنی سید طیب جواد در قبال مسأله نیز سؤال برانگیز می تواند باشد، چه با در نظر داشت آن که وی در هر موردی چه در لندن ایفای وظیفه می نمود و چه هم در واشنگتن، خیلی زود موضع می گرفت، نمی توان بسادگی از سکوت فعلی اش گذشت نمود.

هموطنان گرامی!

همان طوری که نوشتیم این سنت خبیثه که از جانب مزدوران سوسیال امپریالیسم شوروی متوفا بنیان گذاشته شده است، اساساً از لحاظ اعتقادی، دارائی ها و اموال سفارت خانه ها را مال و دارائی کشوری به نام افغانستان و در نتیجه مردم افغانستان نمی شناسند، بلکه آن را مالکیت حاکمیت به شمار آورده، وقتی با مالکیت در افتادند، مصادره آن را جایز و حتا بر خود فرض دانسته به مانند قند و قروت نوش جان می نمایند.

هموطنان گرامی!

این را باید بدانیم که چنین طرز دیدی به دارائی های سفارتخانه ها محدود نمانده، بلکه در تمام این ۴۰ سال اکثریت آنهایی که دم از مبارزه زده اند و دست شان به دارائی رسیده است از همین مبنای "مالکیت حاکمیت" مصادره های خود را توجیه نموده، جمعی از آنها به جای آن که آن را به نفع مردم که صاحبان اصلی تمام دارائی هاست مصادره نمایند به نفع شخصی خود مصادره و تصاحب نموده اند. از همین رو به محض رسیدن به قدرت همه چیز را به تاراج برده اند که اگر قرار باشد از کسی حسابی پرسان شود همان اصل "هر آنچه هست گیرند" مطرح می گردد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع ها را مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!